



ساخت امری در زبان کردی

رحمان ویسی حصار^{۱*}

مقاله پژوهشی

چکیده

مقاله حاضر به بررسی صیغگان امری حاکم بر زبان کردی با توجه به معیارهای همگونی صوری و بیشینگی/کمینگی می‌پردازد. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که در زبان کردی صورت‌های امری ساختوازی تنها برای دوم شخص مفرد و جمع وجود دارد و در صورت اظهار امری معطوف به دیگر اشخاص باید به ساخت‌های تحلیلی (چهار ساخت متمایز) متمسک شد. مطالعه طیف ناهمگون ساخت‌های امری در کردی روشن ساخت که پارادایم امری در کردی مبتنی بر ساختی کمینه بوده که نقطه مقابل بیشینه‌ای ندارد. از ویژگی‌های هسته کمینه پارادایم امری تمایزات زمانی و عملگرهای مجزای نهی و نفی می‌باشد. همچنین، تحقیق حاضر با تکیه بر معیارهای فاعل دوم شخص و اعمال نیرو به بررسی و مقایسه ابعاد متفاوت معناشناختی شش ساخت امری می‌پردازد. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که ساخت‌های کانونی بیشترین وجوه معنایی یک ساخت سرنمون را داشته، و ساخت‌های غیر کانونی عمدتاً فاقد برخی ویژگی‌های یک امری سرنمون می‌باشند.

کلیدواژه‌ها: ساخت امری، همگونی صوری، رده شناسی، نهی، زبان کردی.

✉ veisirahman@yahoo.com

۱- استادیار گروه زبانشناسی دانشگاه کردستان*

۱- مقدمه

جان سرل^۱ (۱۹۷۶: ۱۱-۱۰) کنش کلام امری^۲ را رخدادی می‌داند که در آن جهان بر زبان انطباق^۳ می‌یابد، این در حالی است که در کنش کلام‌های تصریحی^۴ زبان بر جهان انطباق پیدا می‌کند. این امر بدین معناست که پاره‌گفتارهای امری مانند دیگر کنش کلام‌های اجرایی^۵ (آستین، ۱۹۶۲: ۵ و ۱۵۰) نه در راستای بازنمایی جهان، بلکه در جهت تغییر آن عمل می‌کنند. به همین دلیل جملات امری نه مبتنی بر عقیده، بلکه متکی بر خواستن و اراده می‌باشند. عنصر اراده اساسی‌ترین مولفه معنایی یک ساخت امری است. از این رو ساخت امری به مثابه صورتی تعریف می‌شود که بیانگر تمایل و اراده^۶ گوینده به تحقق رخدادی در آینده است که باید توسط شنونده عینیت پیدا کند (وندر آئورا و دیگران، ۲۰۰۵: ۲۹۴؛ ۲۰۰۶: ۵۶۵). به عبارت دیگر، جمله امری بیانگر استدعا از مخاطب است برای متحقق کردن وضعیتی در آینده که باب میل و آرزوی گوینده است (مائوری و سانسو، ۲۰۱۱: ۳۴۹۱). نقش سرنمون یک عبارت امری اجرای کنش کلام‌های رهنمودی^۶ است، و این عبارات عمدتاً تقابلی ساختاری با جملات پرسشی و خبری دارند (هادلستون، ۱۹۸۴: ۳۵۰؛ لاینز، ۱۹۷۷: ۷۴۹). در واقع اگر پدیدار امری را جمله‌گونه‌ای^۷ در نظر بگیریم که مبتنی بر همبستگی میان یک صورت خاص (ساختار ویژه امری) و نقشی ویژه (اجرای کنش کلام رهنمودی) است، این جمله‌گونه در تقابل با جمله‌گونه‌های پرسشی (صورت پرسشی و نقش درخواست اطلاعات) و خبری (صورت خبری و نقش بیان حکمی در باب وضعیت امور) قرار می‌گیرد (سادوک و زویکی، ۱۹۸۵: ۱۵۵؛ جری و کیسنه، ۲۰۱۴: ۱۱). جری^۸ و کیسنه^۹ (۲۰۱۴: ۲۲) تقابل میان جمله‌گونه‌ها را در زبان تحت عنوان وجه جمله‌ای^{۱۰} توصیف می‌کنند. اما اگر یک زبان تقابل جملات امری را با دیگر گونه‌ها به صورت ساختوازی و در سطح فعل نشان دهد، آن را وجه فعلی^{۱۱} می‌نامند. همان گونه که ذکر شد، نقش سرنمون یک ساخت امری عبارت از بیان یک کنش کلام آمرانه و رهنمودی است، اما باید متذکر شد که این گزاره تنها تصویری بسیار کلی و ساده از ابعاد ناهمگون معنایی و نحوی ساخت امری ارائه می‌دهد. ساخت امری طیف وسیعی از معانی را دربر می‌گیرد که به هیچ وجه محدود به معانی آمرانه نیست (آیخوالد، ۲۰۱۰: ۹۸-۹۹؛ آیخوالد، ۲۰۱۷: ۲۴-۲۳). به همین دلیل این ساخت ممکن است در معانی گوناگونی چون امر (مثال ۱)، دعوت (۲)، آرزو (۳) و غیره به کار رود.

1. Kindly lower your voices.

لطفاً صدایت را پایین بیاور.

1. John Searle
2. imperative
3. fit
4. constative
5. performative
6. directives
7. sentence type
8. Jary
9. Kissene
10. sentential mood
11. verbal mood

2. Feel free to call if you like.

هر وقت خواستی تماس بگیر.

3. Have a good weekend.

آخر هفته خوبی داشته باشی

اما مفهوم امر زمانی پیچیده‌تر می‌شود که دریا بیم انگاره فرمان و امر با چندین ساخت متفاوت (حتی بدون وجه امری) نیز قابل بیان است. برای مثال گاهی از ساخت پرسشی (۴) برای بیان یک امر بهره برده می‌شود (آیخنوالد، ۲۰۱۰: ۲۵۷)، و گاهی حتی از جملات خبری (مثال ۵) برای این هدف استفاده می‌شود:

4. Can you move your car?

میشه ماشینت را کنار ببری؟

5. I wonder whether you would mind moving your car a little.

با خودم فکر می‌کردم میشه لطفاً ماشینت را کمی کنار ببری.

همین امر منجر به تشتت نظری و ظهور دیدگاه‌های متفاوت در باب تبیین هسته معنایی امر و ابعاد دستوری آن شده است. برای مثال لاینز^۱ (۱۹۷۷: ۷۴۶) ساخت امری واقعی را ساختی می‌داند که اولاً محدود به معانی فرمان، مطالبه و درخواست (با علامت اختصاری mand) باشد، و ثانیاً محدود به فاعل دوم شخص (مخاطب فرمان) باشد. فلذا او عبارات امری معطوف به اول شخص و سوم شخص را امری‌های واقعی نمی‌داند. همچنین جری و کیسینه (۲۰۱۶: ۱۳۱) نیز بیان می‌دارند که تنها ساخت‌هایی را می‌توان امری دانست که همبستگی صوری^۲ با نوع دوم شخص مفرد داشته باشند. برای مثال اگر ساخت امری دوم شخص مفرد حاوی علامت ممیزه خاصی باشد، تمام ساخت‌های دیگر (با ضمایر غیر دوم شخص) نیز باید حاوی آن علامت ممیزه باشند، در غیر این صورت آنها را نمی‌توان امری دانست. علی‌رغم دیدگاه تقلیل‌گرایانه این دو محقق، عمده رده‌شناسان جهان دیدگاهی جامع‌تر را به پدیدار امری اتخاذ کرده‌اند. برای مثال بیرجولین^۳ و خراکوفسکی^۴ (۲۰۰۱) و تاکاهاشی^۵ (۲۰۱۲) تنها معیارهای نقشی و معنایی را مدنظر قرار داده، و رویکرد خود را محدود به ابعاد ساختاری نمی‌کنند. به‌علاوه، تاکاهاشی (۲۰۱۲: ۷۷-۸۸) اساساً معتقد به معیارهایی مفهومی برای مقوله امری بوده، که حول آن چندین ساخت سرنمون و حاشیه‌ای با تنوعات ساختاری می‌تواند شکل بگیرد. همچنین آیخنوالد^۶ و دیکسون^۷ (۲۰۱۷) نیز به تنوع ساختاری و معنایی انگاره امری باور داشته و ساخت‌های به لحاظ ساختاری متفاوتی (امری کانونی و غیرکانونی) را تحت مقوله امری طبقه‌بندی می‌کند. در همین راستا اگر چه وندر آئورا^۸ (وندرا آئورا، ۲۰۰۶؛ وندرا آئورا و دیگران، ۲۰۰۴، ۲۰۰۵) نیز به ویژگی‌های صوری اهمیت زیادی می‌دهد، اما

1. Lyons
2. formal homogeneity
3. Birjulin
4. Xrakovskij
5. Takahashi
6. Aikhenvald
7. Dixon
8. Van der Auwera

ساخت امری را محدود به موارد کانونی نمی‌کند. از میان این دو رویکرد تقلیل‌گرا و جامع، تحقیق حاضر رویکرد دومی (رویکرد جامع‌تر) را اتخاذ کرده، چرا که در صدد است عمده‌ی جوانب ساخت امری و شیوه‌های متفاوت بیان امر را در زبان کردی نشان دهد، فلذا خود را محدود به واکاوی ساخت‌های سرنمون امری نمی‌کند. تحقیقات رده‌شناختی اخیر نشان داده است (خراکوفسکی، ۲۰۰۱؛ وندر آئورا، ۲۰۰۴؛ آبخنوالد و دیکسون، ۲۰۱۷) که ساخت امری در زبان‌های جهان حاوی تنوعات معنایی و دستوری بسیار زیادی است. تنوع معنایی و صوری این ساخت به حدی است که برخی از محققان (جری و کیسینه، ۲۰۱۶) ساخت امری را به‌عنوان ساختی بینا‌زبانی در نظر می‌گیرند که به هدف انجام مطالعات تطبیقی پیش‌فرض گرفته می‌شود. این تضادهای نظری و گستردگی تنوع معنایی و ساختاری در رابطه با مقوله‌ی امری نشان می‌دهد که بدون بررسی همه‌جانبه‌ی تمام زبان‌های جهان نمی‌توان به درک و تبیینی جامع (چه به لحاظ معنایی و چه به لحاظ صوری) از ساخت امری رسید. در این راستا مطالعه‌ی ساخت امری در زبان‌های ایرانی از اهمیت بسزایی برخوردار است. تنوع رده‌شناختی این زبان‌ها می‌تواند نقش قابل توجهی در تبیین وجوه جهانی و نسبی ساخت امری داشته باشد. به این جهت مقاله‌ی حاضر در صدد است ساخت امری را در زبان کردی بررسی کرده و سپس سنخ‌های گوناگون آن را نشان دهد. گویش مورد نظر در این مقاله لهجه‌ای از گویش سورانی است که عمدتاً در مناطق بوکان، مهاباد و سردشت استفاده شده و به گویش موکریانی معروف است. از سوی دیگر داده‌های این تحقیق به کمک مصاحبه با گویشوران این زبان (گویشوران عمدتاً بوکانی) استخراج شده، و به‌علاوه در مواردی مبتنی بر شم زبانی نویسندگان نیز داده‌هایی ایجاد گردیده است. اهمیت این تحقیق در این نکته است که تاکنون هیچ تحقیقی در مورد ساخت امری در زبان کردی انجام نشده است. بدین منظور در بخش دو ابتدا چهارچوب نظری تحقیق حاضر مورد بررسی قرار می‌گیرد. در این بخش مبانی نظری اثر بر اساس رویکرد رده‌شناختی وندر آئورا و دیگران (۲۰۰۵c) و آبخنوالد (۲۰۱۰) و همچنین دستور شناختی/ امری تاکاهاشی (۲۰۱۲) ارائه شده، و سپس در بخش سه به تحلیل داده‌ها خواهیم پرداخت. در این بخش انواع ساخت‌های امری کانونی و غیرکانونی در کردی توصیف شده و سپس ابعاد معنایی آنها روشن می‌گردد. همچنین جایگاه رده‌شناختی نظام امری زبان کردی در بین زبان‌های جهان بر اساس الگوی وندر آئورا و دیگران (۲۰۰۵c) تبیین خواهد شد. در پایان نتایج تحقیق به‌صورت خلاصه در بخش چهار ارائه می‌شود.

۲- چهارچوب نظری

یک ساخت امری سرنمون ساختی رهنمودی است که معطوف به مخاطب دوم شخص می‌باشد. در واقع این ساخت اولاً به مخاطب دوم شخصی اشاره دارد که دارای هویتی منفرد و معین باشد؛ از سوی دیگر از شنونده‌ی امر انتظار می‌رود که عمل مربوطه را در آینده‌ای نزدیک (یا دور) به‌عنوان یک کنشگر متحقق سازد. تاکاهاشی (۲۰۱۲: ۸۷) پارامتر اولی را معیار هویت^۱ (تفرد مخاطب) و پارامتر دومی را معیار کنشگری^۲ (مخاطب به‌عنوان

1. identity
2. agent

کنشگری در آینده) می‌نامد. ساخت سرنمون امری (معطوف به دوم شخص) یک ساخت کانونی^۱ نامیده می‌شود، چرا که ابتدایی‌ترین و هسته‌ای‌ترین ساختی است که دیگر ساخت‌های امری بر حسب آن ارزیابی می‌شوند. یک ساخت کانونی امری می‌تواند با علائم دستوری گوناگونی نشان‌گذاری شود. اما در کل، ساخت‌های امری کانونی برای ضمیر دوم شخص در زبان‌های جهان به سه صورت ظاهر می‌شوند: با ریشه فعل (مثال ۶ در زبان تیرین^۲)، با یک علامت ممیزه (مثال ۷ در زبان یدین^۳) و یا به صورت تحلیلی (با کمک افعال کمکی، مثال ۸ در زبان ایکا^۴) (آیخنوالد، ۲۰۱۰: ۱۸)^۵.

6. tobwerri nrifo-nru. (tinrin) (همان: ۱۹)

ش/م-دهان ریشه بستن
دهانت را ببند.

7. nanda wiwi-n wanal. (Yidin) (همان: ۲۰)

بومرنگ علامت امری-دادن من را
تو بومرنگ را به من می‌دهی.

8. amase u'. (chibchan) (همان: ۲۳)

فعل کمکی بلند شدن
بلند شو.

ساخت‌های کانونی امری عمدتاً مبتنی بر فاعل‌های دوم شخص مفرد و جمع هستند. اما نسبت ساخت امری با ضمائر دوم شخص مفرد و جمع همیشه به یک صورت نیست، بلکه سه حالت برای این رابطه قابل تصور است (آیخنوالد، ۲۰۱۰: ۲۶-۲۸). در حالت اول یک زبان ممکن است که از یک فرم یکسان برای دوم شخص جمع و مفرد استفاده کند، یا این که زبانی علامتی را برای مخاطب جمع به کار برده و هیچ علامتی را برای نوع مفرد به کار نبرد (حالت دوم). در نهایت در حالت سوم ممکن است برای هر دو نوع شخص/شمار دو علامت متفاوت به کار برده شود. در نهایت باید متذکر شد که برخی از زبان‌ها فاقد صورت مخصوص برای معنای امری هستند، فلذا ممکن است از ساخت‌های دیگر (مانند زمان حال یا آینده، وجهیت و وجه دستوری غیرواقعی) برای بیان معنای امری بهره ببرند. بدیهی است که در این موارد معنای امری تنها معنای ثانویه و فرعی این ساخت‌ها می‌باشد (همان، ۳۸). اما وندر آئورا^۶ و دیگران (۲۰۰۵a: ۲۸۶) همه تعاملات ممکن ساخت امری با ضمائر دوم شخص مفرد و جمع را به صورت جامع‌تری تبیین و طبقه‌بندی می‌کنند. (جدول شماره ۱):

1. canonical construction
2. Tinrin
3. Yidin
4. Ika

۵. برخی علائم مختصر شده: شخص: ش؛ مفرد: م؛ جمع: ج؛ پیشوند فعلی: پشف؛ وجه دستوری: وج؛ نمود ناقص: نق؛ معرفه: مع؛ عملگر امری: عا

6. Van Der Auwera

جدول ۱: ساخت امری در دوم شخص

۱	یک زبان صورت‌های ساختوازی متفاوتی را برای دوم شخص مفرد و جمع اختصاص می‌دهد.
۲	یک زبان صورتی ویژه به دوم شخص مفرد اختصاص می‌دهد، اما نوع جمع آن صورتی بخصوص ندارد. لذا برای بیان امر در دوم شخص جمع باید از صورت غیر امری استفاده کند.
۳	یک زبان ممکن است صورتی ویژه برای امر دوم شخص جمع داشته باشد، اما صورتی امری برای دوم شخص مفرد ندارد.
۴	یک زبان ممکن است یک صورت امری برای دوم شخص داشته باشد که تفاوتی را بین نوع مفرد و جمع نشان ندهد.
۵	یک زبان ممکن است هیچ صورت ویژه‌ای را برای دوم شخص نداشته باشد.

در جدول فوق، عبارت صورت به استراتژی‌های خاصی اشاره دارد که برای نشان‌گذاری مفهوم امری استفاده می‌شوند. با توجه به این جدول، پنج حالت ممکن برای نشان‌گذاری فاعل‌های دوم شخص مفرد و جمع در زبان‌های جهان وجود دارد.

حال به ساخت‌های امری غیرکانونی می‌پردازیم که به‌صورت‌های امری برای اشخاص اول شخص و سوم شخص به‌کار می‌روند. در واقع ساخت امری معطوف به اول شخص (مثال ۹) تشویقی^۱ و ساخت امری معطوف به سوم شخص (مثال ۱۰) را توصیه‌ای^۲ گویند (آیخنوالد، ۲۰۱۰: ۴۸).

۹. بیا برویم.

۱۰. آنها بروند ماشین را بیاورند.

در واقع در این موارد مخاطب فرمان صادر شده، فردی غیر از دوم شخص می‌باشد. به همین دلیل است که این ساخت‌ها غیرکانونی نامیده می‌شود. عمده ساخت‌های غیرکانونی فاقد ویژگی‌های یک ساخت امری سرنمون می‌باشند. برای مثال آنها گاهی نه تنها مخاطب دوم شخص ندارند (معیار هویت)، بلکه در جهت تحمیل یک فرمان مستقیم نیز عمل نمی‌کنند. بلکه برای تشویق، ترغیب و یا گاهی تهدید آمرانه به‌کار می‌روند (تاکاهاشی، ۲۰۱۲: ۷۹). اما چهار نسبت ممکن بین امری کانونی و غیرکانونی در زبان‌های دنیا قابل تصور است. در حالت اول ساخت امری کانونی و غیرکانونی یک صیغگان^۳ یکسان را می‌سازند (آیخنوالد، ۲۰۱۰: ۴۹). در واقع علائم تصریفی و نحوی یکسانی برای امر در همه اشخاص و شماره‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد. البته این نکته را نیز باید افزود که در بعضی از زبان‌ها برخی از اشخاص شاید فاقد صورت امری باشند. برای مثال ممکن است یک صورت امری یکسان برای تمام اشخاص استفاده شود منتها اول شخص مفرد فاقد صورت امری باشد (همان، ۵۲). در حالت دوم پارادایم امری کانونی در تضاد با پارادایم امری غیرکانونی قرار دارد. در واقع علائم تصریفی و مشخصات نحوی متفاوتی در این دو ساخت مورد استفاده قرار می‌گیرند (همان، ۵۶).

1. hortative
2. jussive
3. paradigm

حالت سوم قدری از دو حالت پیشین پیچیده‌تر است، چرا که در این حالت یک پارادایم آمیخته وجود دارد، بدین شیوه که ممکن است یک صورت غیرکانونی (مانند اول شخص) با امری کانونی (دوم شخص) یک پارادایم مشترک را بسازند، اما صورت غیرکانونی دیگر (مانند سوم شخص) به صورت متفاوتی نشان‌گذاری شود (همان، ۵۹). در نهایت حالت چهارم به شرایطی اشاره دارد که در آن امری کانونی صورت خاص خود را داراست، اما امری‌های غیرکانونی اول شخص و سوم شخص نیز هر کدام با یک ساخت مخصوص به خود بیان می‌شوند. جری و کیسینه (۲۰۱۶: ۱۳۱) در نقد این رویکرد بیان می‌کنند که تنها زمانی می‌توان برای ضمائر اول شخص و سوم شخص قائل به ساخت امری بود که ساخت مربوط به این ضمائر همبستگی صوری^۱ (علائم نشان‌گذاری) با ساخت امری کانونی داشته باشد. بر این اساس آنها (همان) تنها گروه اول (یا حالت اول در رویکرد) (آیخوالد، ۲۰۱۰: ۴۹) را امری واقعی می‌دانند چرا که آنها صیغگان صوری یکسانی را با ساخت امری کانونی می‌سازند. برای حل این معضل روش‌شناختی و ندر آتورا و دیگران (۲۰۰۵: ۲۹۴) تعاملات نحوی و معنایی ساخت‌های امری کانونی و غیرکانونی را بر اساس دو مولفه همگونی صوری و کمینگی/ بیشینگی^۲ پارادایم تبیین می‌کنند. مزیت این رویکرد در این است که نه تنها روابط ساختاری را میان ساخت‌های متفاوت امری در نظر می‌گیرد، بلکه تقلیل‌گرا نبوده و جایگاه ساختاری ساخت‌های امری متباین با امری‌های کانونی (دوم شخص) را نیز در پارادایم امری یک زبان مشخص می‌سازد. در واقع آنها نظام امری را در زبان‌های جهان بر اساس دو فاکتور همگونی صوری و کمینگی/ بیشینگی به چهار گروه تقسیم می‌کند. با توجه به مفهوم همگونی دو ساخت امری همگون نامیده می‌شوند در حالتی که آنها با ابزارهای ساختوازی و نحوی یکسانی ساخته شوند. اما فاکتور کمینگی و بیشینگی قدری پیچیده‌تر به نظر می‌رسد. در واقع اگر یک زبان صورت امری خاصی برای دوم شخص مفرد داشته باشد که با دیگر فرم‌ها و اشخاص همگون نباشد، پس آن زبان یک نظام امری کمینه دارد. اما اگر ساخت امری دوم شخص مفرد با دوم شخص جمع و سوم شخص (مفرد و جمع) و اول شخص (مفرد و جمع) همگون باشد فلذا آن زبان نظام امری بیشینه دارد. بر طبق این فاکتورها، می‌توان نظام امری‌های کانونی و غیرکانونی را در زبان‌های دنیا به چهار حالت تقسیم کرد.

جدول ۲: گونه‌های نظام امری

۱	زبان یک ساختار بیشینه دارد، اما ساخت کمینه ندارد.
۲	زبان یک ساخت کمینه دارد، اما ساخت بیشینه ندارد.
۳	زبان هم ساخت بیشینه و هم ساخت کمینه دارد.
۴	زبان نه ساخت بیشینه داشته و نه ساخت کمینه دارد.

در گروه اول یک ساخت مشترک برای تمام اشخاص و شمارها (کانونی و غیرکانونی) وجود دارد. در گروه دوم یک ساخت ویژه امری برای دوم شخص مفرد وجود دارد اما دیگر اشخاص و شمارها با ساخت امری

1. formal homogeneity
2. maximality/minimality

یکسانی بیان نمی‌گردند. در واقع دیگر اشخاص متفاوت هر کدام از شیوه‌های متفاوتی برای امری شدن استفاده می‌کنند. در گروه سوم یک ساخت ویژه برای دوم شخص وجود دارد، اما دیگر اشخاص و شماره‌ها از یک ساخت مشترک دیگر (بیشینه) استفاده می‌کنند. اما ساخت چهارم به حالتی ویژه اشاره می‌کند که در آن دوم شخص و سوم شخص از یک ساخت امری یکسان استفاده می‌کنند، اما دیگر اشخاص ساخت متفاوتی دارند، در این حالت هیچ کدام از ساخت‌ها نه بیشینه و نه کمینه هستند. باید متذکر شد که تمام این طبقه‌بندی‌ها مبتنی بر نشان‌گذاری‌های متفاوت ضمائر و افعال در ساخت‌های امری است.

در نهایت باید به ساخت نهی^۱ نیز اشاره کرد که رابطه مستقیمی با جملات امری دارد. در واقع یک جمله نهی صورت منفی جمله امری است که در آن گوینده مخاطب را از انجام کاری نهی می‌کند. اگر چه اکثر زبان‌ها از شیوه یکسانی برای منفی ساختن جملات خبری و امری استفاده می‌کنند، اما در برخی از زبان‌ها عملگرهای نفی‌ساز و نهی‌ساز با هم متفاوت هستند (وندرا آتورا و دیگران، ۲۰۰۵b: ۲۹۰). برای مثال در زبان مجاری از عنصر ne برای منفی سازی جملات امری استفاده می‌شود؛ در حالی که از عنصر nem برای منفی ساختن جملات خبری بهره برده می‌شود (آیخوالد، ۲۰۱۰: ۱۶۷):

13. Ne ma¹ sol-j kulcs-ot. مجاری

مفعولی-کلید ۲ش/م-ناقص-کپی ناقص-نهی

کلید را کپی نکن.

البته تفاوت فرایند نفی‌سازی در ساخت‌های امری و خبری لزوماً مبتنی بر استفاده از عناصر واژگانی متفاوت نیست، گاهی ترتیب علامت نهی و جایگاه آن در جمله نیز می‌تواند عامل تفاوت رده‌شناختی باشد. اگر چه عملگر نفی بیشترین کاربرد را برای نفی کردن یک ساخت امری دارد، اما شیوه‌های دیگری نیز در برخی از زبان‌ها برای این امر مشاهده می‌شود. در واقع در این موارد ما با نوعی نهی تحلیلی روبه‌رو هستیم که یک ساخت مشخص با افعال کمکی خاص این مهم را بر عهده دارند. برای مثال در زبان لاتین ساختی مبتنی بر یک فعل کمکی وجود دارد، که عامل اصلی نهی‌سازی است. پس از این فعل کمکی، فعل اصلی به صورت مصدر ظاهر می‌شود (آیخوالد، ۲۰۱۰: ۳۵۳):

14. noli tangere circulos meos.

۱ش/ج-مفعولی-مال من جمع-مفعولی-حلقه‌ها لمس ناقص-۲ش/م-خواستن-نهی

به این حلقه‌ها دست نزن.

همچنین در زبان‌های دیگر برخی از افعال واژگانی در معناهای خاصی (مانند نبودن، متوقف کردن و باقی ماندن) نقش دستوری پیدا کرده و برای متحقق ساختن ساخت نهی مورد استفاده قرار می‌گیرند (همان: ۱۷۲). در واقع این افعال به جای عملگر نفی نقش منفی کردن فعل اصلی را به عهده می‌گیرند.

1. prohibitive

اگر چه در این بخش به تمایز میان ساخت‌های امری کانونی و غیرکانونی پرداختیم، اما تمایزات معنایی آنها را بیان نکردیم. در این راستا تاکاهاشی (۲۰۱۲) بیان می‌دارد که یک ساخت سرنمون امری حاوی ویژگی‌هایی معناساختی است که در ساخت‌های غیرکانونی یا کمرنگ بوده و یا قابل مشاهده نیست. در واقع حضور و یا غیاب این عناصر باعث کانونی شدن و یا حاشیه‌ای شدن یک ساخت امری می‌شود. او این ویژگی‌ها را به دو گروه معیار اعمال نیرو^۱ و معیار فاعل دوم شخص^۲ تقسیم می‌کند. معیار فاعل دوم شخص برای تعیین سرنمون بودن یک ساخت امری بسیار حیاتی است. این معیار بر حسب دو پارامتر هویت^۳ و نقش معنایی تعیین می‌شود (تاکاهاشی، ۲۰۱۲: ۸۷). بر حسب پارامتر هویت فاعل یک جمله امری اولاً باید دوم شخص باشد، و ثانیاً فردی معین و منفرد باشد. از سوی دیگر بر حسب معیار نقش معنایی فاعل جمله امری باید کنشگر بوده و تحت سببیت گوینده باشد، یعنی مبتنی بر رابطه سببی‌ای که گوینده بر او تحمیل می‌کند عملی را انجام دهد. بدیهی است تمام موارد امری که فاقد مخاطب دوم شخص می‌باشند یک ساخت سرنمون نیستند (مثال ۱۵). همچنین در موارد مربوط به جملات امری آرزویی که مخاطب مجبور به انجام کاری نیست (یعنی کنشگر نیست) نیز ویژگی سرنمون بودن کمرنگ است (مثال ۱۶).

15. Let them go.

بذار برن.

16. Have a good weekend.

آخر هفته خوبی داشته باشی.

همچنین پارامتر اعمال نیرو در ساخت امری مبتنی بر نیروی اجتماعی و روانی‌ای است که گوینده با تکیه بر آن به شنونده فرمانی را تحمیل می‌کند. اما پدیدار اعمال نیرو وابسته به شش پارامتر میل^۴، قابلیت^۵، قدرت^۶، هزینه^۷، سود^۸ و الزام^۹ است. پارامتر میل، به میل گوینده به تحقق عمل اشاره دارد. در یک ساخت کانونی و سرنمون، گوینده واقعاً میل به تحقق عمل دارد، اما در ساخت‌های غیرسرنمون میل گوینده به تحقق امر کم و یا غایب است. برای مثال در جملات امری هشدارآمیز گوینده میلی به تحقق عمل ندارد (مثال ۱۷). ارزش عددی این پارامتر به صورت قراردادی تعیین می‌شود. بدین صورت که بیشترین میل به صورت عدد مثبت دو، فقدان میل به صورت صفر، و در صورتی که میل منفی باشد به ساخت‌هایی اشاره دارد که صورت امری به تهدید و هشدار ارجاع می‌دهد.

17. Come closer and I'll call the police!

-
1. force exertion
 2. second person subject
 3. identity
 4. desire
 5. capability
 6. power
 7. cost
 8. benefit
 9. obligation

بیا جلو، منم پلیس را صدا می‌کنم.
پارامتر قابلیت نیز به تصور گوینده از قابلیت و توانایی شنونده برای انجام عمل اشاره دارد. یک ساخت سرنمون مبتنی بر توانایی شنونده بر تحقق عمل فرمان داده شده است، اما در صورتی که شنونده این توانایی را نداشته باشد ساخت سرنمون نخواهد بود (مثال ۱۸).

۱۸. بلکم زود خوب شی.

پارامتر قدرت نیز به ارزیابی گوینده از قدرت و جایگاه اجتماعی شنونده ربط دارد. در صورتی که قدرت امر از شنونده کمتر باشد ممکن است ساخت غیرکانونی شود (مثال ۱۹). در این حالت ممکن است از جملات خبری، پرسشی و یا ساخت‌های تحلیلی استفاده شود.

19. Please take me to the zoo, Dad – Please!

لطفاً من را به باغ وحش ببر پدر لطفاً.

پارامتر هزینه نیز به زحمت و یا مقدار مشکلی اشاره دارد که بر شنونده تحمیل می‌شود. در صورتی که هزینه و زحمت زیادی بر دوش شنونده قرار داده شود، احیاناً ساخت امری سرنمون استفاده نگردد، و از ساخت‌های تحلیلی و یا غیرمستقیم بهره برده شود (مثال ۲۰). اما در صورتی که میزان هزینه معقول باشد احیاناً از امری مستقیم کانونی بهره برده شود. ساخت‌های تحلیلی مختص جملات آرزویی آمرانه مبتنی بر هزینه صفر برای شنونده هستند، چرا که شنونده در این رابطه مجبور به کار خاصی نیست. در واقع هر زبان می‌تواند برای این موارد خاص ساخت ویژه‌ای را اختصاص دهد.

20. I'm broke; please lend me some money.

من ورشکسته شدم، لطفاً کمی پول به من قرض بده.

همچنین پارامتر سود به ارزیابی گوینده از سود برای گوینده و شنونده اشاره دارد. برای مثال در ساخت‌های آمرانه تهدیدی میزان زیان (منفی سود) زیادی متوجه گوینده است، و زبان انگلیسی برای این مورد ساخت خاصی (مثال ۲۲) را اختصاص داده است. اما ساخت ۲۱ برای موقعیتی تکوین یافته که در آن سود بیشتر متوجه گوینده امر است تا شنونده.

۲۱. لطفاً کتابت را به من قرض بده.

22. Say that again and I'll knock your head off!

این حرف رو دوباره تکرار کن منم حسابت رو میرسم.

در نهایت پارامتر الزام به این اشاره دارد که گوینده تا چه میزان شنونده را ملزم به انجام کار می‌داند. ساخت کانونی امری بیشترین الزام را متوجه شنونده می‌داند (مثال ۲۳)، و ساخت‌های غیرکانونی الزام کمتری را متوجه او می‌کنند (استفاده از عملگر بلکم در مثال ۲۴).

۲۳. فرم را پر کن.

۲۴. بلکم فرم رو پر کنی.

این پارامترها بر کانونی بودن و غیرکانونی بودن یک ساخت امری تأثیر مستقیم دارند. در واقع هر چه این پارامترها در جهت عکس یک سناریوی امری باشند، ساخت منتج از آنها غیرکانونی و غیرسرنمون خواهد بود. البته باید متذکر شد که هیچ‌گاه یک معیار به تنهایی تعیین‌کننده نیست، بلکه تعامل تمام معیارها سرنمون بودن نهایی یک ساخت را مشخص می‌سازد. برای مثال گاهی یک آرزو ممکن است با یک ساخت کانونی بیان گردد (مثال ۲۵). در این حالت اگر چه فاعل دوم شخص در این جمله اولاً نمی‌تواند نقش کنشگر را بازی کند، و ثانیاً قابلیت زیادی در تحقق این عمل غیرارادی ندارد، اما میل شدید گوینده به تحقق این عمل غیرارادی و همچنین الزام و انگیزه روانی زیادی که گوینده بر شنونده تحمیل می‌کند اثر آن موارد را نفی کرده و باعث می‌شود بتوان این آرزو را با یک ساخت کانونی بیان کرد.

۲۵. هر چه زودتر خوب شو.

اما به صورت کلی می‌توان فهمید که یک ساخت امری خاص با ویژگی‌های صوری خاص خود در حالت بی‌نشان چه ویژگی‌های معنایی خاصی دارد. در واقع این معیارها به ما کمک می‌کنند که تا حدی بتوانیم تمایزات معنایی میان ساخت‌های کانونی و غیرکانونی را تبیین کنیم. در بخش بعد از این معیارها برای تشریح ابعاد برجسته معنایی ساخت‌های متفاوت امری در کردی بهره می‌بریم.

۳- ساخت‌های کانونی و غیرکانونی امری در کردی

همان‌گونه که در بخش قبل ذکر شد ساخت امری کانونی، ساختی است که خطاب به دوم شخص (مفرد و جمع) بیان می‌گردد، فلذا دیگر ساخت‌های امری به قیاس با این ساخت ارزیابی می‌شوند. زبان کردی از دو ساخت متفاوت امری برای فاعل‌های دوم شخص مفرد و جمع استفاده می‌کند. در ابتدا به امری مبتنی بر دوم شخص مفرد می‌پردازیم. ساخت امری معطوف به دوم شخص مفرد اولاً حاوی پیشوند التزامی بوده، و ثانیاً از علائم مطابقت خاص خود (متفاوت با علائم مطابقت در زمان حال) بهره می‌برد. در مثال‌های زیر تفاوت افعال امری و معادل خبری آنها در استفاده از علائم مطابقت خاص و استفاده از استراتژی وجه التزامی به روشنی مشهود است.^۱

26. sewa-ka bə-kəf-a.

ش/م-خریدن-وج مع-سیب

سیب را بخر.

27. sewaka da-kəf-i.

ش/م-خریدن-نق مع-سیب

سیب را می‌خری.

۱. ترجمه جملات امری از کردی به فارسی خصوصاً در مورد ساخت‌های تحلیلی تقریباً غیرممکن است. اگر چه برای ساخت‌های کانونی می‌توان به راحتی معادلی در زبان فارسی پیدا کرد، اما پیدا کردن معادلی نزدیک برای ساخت‌های تحلیلی بسیار دشوار است. در این موارد نویسنده ترجمه‌ای را ارائه می‌دهد اما ادعایی در دقت بودن آن ندارد.

28. nāma-ka bə-nus-a.

آش/م-نوشتن-وج مع-نامه

نامه را بنویس.

29. nāma-ka da-nus-i.

آش/م-نوشتن-نق مع-نامه

نامه را می‌نویسی.

زبان کردی اگرچه از پیشوند التزامی برای بیان امر معطوف به دوم شخص جمع بهره می‌برد، اما علامت مطابقت خاصی به آن اختصاص نمی‌دهد. در واقع علامت مطابقت در ساخت امری دوم شخص جمع تفاوتی با علامت مطابقت در ساخت خبری در زمان حال ندارد. در این حالت می‌توان ادعا کرد که ساخت امری دوم شخص جمع تنها از استراتژی وجه التزامی (بدون بهره بردن از علامت مطابقت خاص) بهره می‌برد.

30. nāma-ka bə-nus-ən.

آش/ج-نوشتن-وج مع-نامه

نامه را بنویسید.

31. nāma-ka da-nus-ən.

آش/ج-نوشتن-نق مع-نامه

نامه را می‌نویسید.

32. top-aka bə-hen-ən.

آش/ج-آوردن-وج مع-توپ

توپ را بیاورید.

33. top-aka da-hen-ən.

آش/ج-آوردن-نق مع-توپ

توپ را می‌آورید.

فلذا تاکنون دو گونه ساخت امری متفاوت (برای دوم شخص مفرد و جمع) معین گردیدند. در ساخت اول از استراتژی التزامی و نشان‌گذاری خاص بهره برده می‌شود، و در ساخت دوم تنها استراتژی التزامی به کار می‌رود. البته باید متذکر شد که استراتژی التزامی فقط در شرایطی به تنهایی می‌تواند برای بیان امر به کار برده شود که مخاطب امر دوم شخص جمع باشد، اما این ساخت (استفاده از استراتژی التزامی به تنهایی برای امر بدون حضور هیچ عملگر نحوی دیگری از قبیل قیدهای وجهی و یا آرزویی) برای دیگر اشخاص (اول شخص و سوم شخص) به کار برده نمی‌شود. در صورتی که بخواهیم پدیده امر را معطوف به اشخاص دیگر (اول شخص و سوم شخص مفرد و جمع) بیان کنیم هیچ کدام از استراتژی‌های فوق‌الذکر استفاده نمی‌شود. در واقع در زبان کردی برای بیان امر برای فاعل‌های غیر دوم شخص عمدتاً از ساخت‌های تحلیلی بهره برده می‌شود. این امر نشان می‌دهد نوعی تقابل ساختاری میان ساخت امری دوم شخص جمع از یک سو با ساخت دوم شخص مفرد و از

سوی دیگر با عبارات امری مبتنی بر دیگر اشخاص (اول شخص و سوم شخص مفرد و جمع) وجود دارد؛ به همین دلیل می‌توان استدلال کرد که دوم شخص جمع ساخت امری خاص خود را دارد. همان‌گونه که در قبل ذکر شد یک ساخت تحلیلی امری از علائم ساختوازی ویژه امر استفاده نمی‌کند، بلکه عمدتاً از افعال کمکی و یا عملگرهای خاصی بهره می‌برد، که به تدریج و در طول تحول تاریخی معنای امر را کسب کرده‌اند. معنای امری این عملگرها معنای ثانویه آنهاست. برای مثال در جمله زیر فعل رفتن در زبان مکنز^۱ برای بیان امر به کار برده شده است (آیخوالد، ۲۰۱۰: ۶۱):

34. ki-or-a i-at.

گرفتن - علامت مفعول رفتن - ۱ش/ج

بیا بریم بگیریمش.

به همین سیاق، عملگرهای متعددی نیز برای بیان امر در ساخت‌های تحلیلی در زبان کردی به کار برده می‌شوند. ویژگی مشترک بخش زیادی از این ساخت‌ها داشتن مخاطب غیردوم شخص است. در واقع هر زمان که امری متوجه فاعل غیردوم شخص با شد یکی از این ساخت‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد. یکی از پربسامدترین ساخت‌های تحلیلی در کردی متکی بر عملگر امری *bā* ساخته می‌شود. بیان امر از گونه مخاطب غیردوم شخص عمدتاً مبتنی بر این ساخت است:

35. *bā dā-niš-əm*.

۱ش/م - نشستن - پشف عا

من بنشینم!

36. *dā-niš-a*.

۲ش/م - نشستن - پشف

بنشین!

37. *bā dā-niš-et*.

۳ش/م - نشستن - پشف عا

او بنشیند!

38. *bā dā-niš-in*.

۱ش/ج - نشستن - پشف عا

ما بنشینیم!

39. *dā-niš-ən*.

۲ش/ج - نشستن - پشف

بنشینید!

40. *bā dā-niš-ən*.

۳ش/ج - نشستن - پشف عا

1. Mekens

آنها بنشینند!

همان‌گونه که از مثال‌های فوق مبرهن است ساخت امری ساختوازی (بهره بردن از فرایندهای ساختوازی در ساختن امر) تنها برای فاعل دوم شخص (مفرد و جمع) استفاده می‌شود. اما در موارد دیگر اولاً فعل علاوه بر این که علائم مطابقت ساخت خبری را دارد، همچنین فاقد پیشوند التزامی می‌باشد. از سوی دیگر حضور یک عملگر دستوری شده (با) در ساخت باعث شده که این ساخت معنای امری را القا کند. عملگر دستوری شده *bā* در واقع نوعی حرف اضافه (مثال ۴۱ و ۴۲) است که به معنای (به هدف) می‌باشد. سپس این حرف اضافه در راستای بیان امر به فاعل‌های غیر دوم شخص مورد استفاده قرار گرفته است.

41. *dars bæ-xwen-ən bā ?āgāw zānā bæ-n.*

۳ش/ج/شدن-وج دانا و آگاه تا ۲ش/ج-خواندن-وج درس

درس بخوانید تا آگاه و دانا باشید.

42. *libāsakat bæ-ba bā sarmāt nabe.*

شدن-وج-نفی ۲ش/م-سرما تا ۲ش/م-بردن-وج ۲ش/م-ملکی-لباس

لباست را ببر تا سرما نخوری.

حال به بررسی پارادایم امری و ابعاد معنایی این سه ساخت اصلی در کردی می‌پردازیم. با عطف نظر به جدول شماره یک می‌توان گفت که زبان کردی جزو گروهی از زبان‌هاست که صورت و ساخت متفاوتی را به دوم شخص مفرد (علائم مطابقت ویژه و استراتژی التزامی) و دوم شخص جمع (استراتژی التزامی) اختصاص می‌دهد. لذا زبان کردی را باید جزو گروه اول (یک زبان صورت‌های ساختوازی متفاوتی را برای دوم شخص مفرد و جمع اختصاص می‌دهد) دانست. اما تفاوت این ساخت‌ها (ساخت‌های کانونی و ساخت تحلیلی) از منظر ابعاد معناشناختی در نگاه اول به معیار دوم شخص بازمی‌گردد. در واقع دو ساخت کانونی (برای دوم شخص مفرد و جمع) معطوف به مخاطب دوم شخص حاضر در بافت می‌باشند، اما ساخت پربسامد تحلیلی متوجه مخاطب غیردوم شخص می‌باشد. از سوی دیگر خطاب امر به فاعل کلی^۱ و بدون فردیت مشخص نیز با ساخت تحلیلی (با) انجام می‌گیرد:

43. *bā gəšk-yān bæ-řo-n.*

۳ش/ج-رفتن-التزامی ۳ش/ج-همه عا

بذار همه برن.

این امر نشان می‌دهد معیار تفرد نیز می‌تواند عامل تفکیک این ساخت‌ها باشد. اما دانش نویسندگان نیز از ابعاد کاربردشناختی این ساخت‌ها بیانگر این است که ساخت تحلیلی (با) اولاً دارای درجه پایینی از التزام و درجه متوسطی از میل گوینده می‌باشد. چرا که در صورتی که گوینده امر بخواهد درجه بیشتری از التزام را به مخاطب غیردوم شخص بیان کند، و یا این که میل شدید خود را به تحقق عمل نشان دهد از افعال وجهی بهره می‌برد. این امر در مورد پارامتر قدرت نیز صادق است، بدین صورت که خطاب آمرانه قوی به مخاطب غیردوم

1. generic

شخص عمدتاً با افعال وجهی انجام می‌گیرد (مثال ۴۴). در این حالت حضور فعل وجهی در جمله نشان می‌دهد که جمله ۴۴ یک جمله امری نیست. فلذا در این جمله برای بیان فرمان به مخاطب غیردوم شخص از ساختی غیرامری و افعال وجهی استفاده شده است.

44. dabe hatman bə-fo-n.

ش^۳/ج-رفتن-وج حتماً باید

باید حتماً بروند.

همچنین بدین علت که درجه الزام و میل در این ساخت تحلیلی پایین است، معنای اذن و رخصت نیز از آن قابل استنباط است. به همین دلیل گاهی در پاسخ برای دریافت اذن برای فردی خاص، از این ساخت (با) برای بیان اذن استفاده می‌شود (مثال ۴۵).

45. qay nā hasan bərwā?

ش^۳/م-رفتن-وج حسن نه اشکال

اشکال نداره حسن بره؟

46. qay nā, bā bərwā.

ش^۳/م-رفتن-وج عا نه اشکال

اشکال نداره، بذار بره.

همین امر نشان می‌دهد که به علت کم‌رنگ شدن این ویژگی‌های سرنمون معنای امر به اذن تقلیل پیدا کرده است. بررسی تنها این چند معیار می‌تواند نشان دهد که این ساخت‌ها علاوه بر تفاوت ساختاری، حاوی تقابل‌های معناشناختی و کاربردشناختی عدیده‌ای نیز هستند. به علت محدودیت فضا در یک مقاله پژوهشی به موارد دیگر نمی‌پردازیم، و تنها به پارامترهای اصلی توجه می‌کنیم تا حدی که تقابل معنایی و مفهومی ساخت‌ها روشن شوند.

اما علاوه بر این ساخت تحلیلی، ساخت‌های تحلیلی دیگری نیز در کردی وجود دارند، که با افعال کمکی خاصی برای بیان امر استفاده می‌شوند. برای مثال دومین ساخت تحلیلی با کمک فعل *bəfā* ساخته می‌شود. این فعل از فعل *هلبیدن* ریشه گرفته که در عمده زبان‌های ایرانی مورد استفاده بوده است. این ساخت میزبان تمام ضمائر غیردوم شخص در مقام دریافت‌کننده امر می‌باشد، اما مخاطبان دوم شخص را نمی‌پذیرد. در واقع این ساخت صرفاً برای بیان امری تشویقی (اول شخص) و توصیه‌ای (سوم شخص) به کار می‌رود.

47. bəfā kaya b-ək-am.

ش^۱/م-کردن-وج بازی عا

بذار بازی کنم.

48. bəfā kaya b-ək-a.?

ش^۲/م-کردن-وج بازی عا

بگذار بازی کن.

49. bəfā kaya b-ək-ā.

۳ش/م-کردن-وج بازی عا
بگذار بازی کند.

50. befā kaya b-ək-ayn.

۱ش/ج-کردن-وج بازی عا
بگذار بازی کنیم.

51. befā kaya b-ək-an.?

۲ش/ج-کردن-وج بازی عا
بگذار بازی کنید.

52. befā kaya b-ək-an.

۳ش/ج-کردن-وج بازی عا
بگذار بازی کنند.

اصلی‌ترین عامل غیرسرنمون بودن این ساخت به معیار دوم شخص مفرد باز می‌گردد که در آن مخاطب ساخت باید غیردوم شخص باشد. از سوی دیگر این ساخت در موارد زیادی برای هشدار و تهدید نیز به کار می‌رود. در این حالت می‌توان گفت که ساخت مذکور التزام مستقیمی را بر حسب شرایط بافتی متوجه شنونده نمی‌کند. لذا پارامتر التزام در این ساخت درجه پایینی دارد. همچنین در فرض معنای هشدار، پارامتر میل گوینده نیز برای تحقق عمل بسیار پایین و حتی منفی خواهد بود. همچنین با توجه به پارامتر قدرت باید گفت که گوینده قدرت مستقیمی بر مخاطب برای بیان امر ندارد فلذا جمله معنای هشدار را نیز القا می‌کند. این ابعاد معناساختی دلیل غیرکانونی بودن این ساخت را روشن می‌سازد.

اما افعال رفتن (ro-iin) و آمدن (hāt-ən) نیز در کردی جزو افعال کمکی‌ای هستند که در ساخت‌های تحلیلی امری استفاده می‌شود. ساخت‌های مذکور از توالی دو فعل تشکیل شده‌اند، که فعل اول در ساخت نسخه کمابیش دستوری شده‌ای از افعال حرکتی رفتن و آمدن می‌باشد. این افعال حرکتی به لحاظ معنایی قابلیت زیادی برای القای معانی نمود آغازی و بیان اراده و قصد دارند. قابلیت معنایی این افعال برای بیان نمود آغازی و همچنین القای معانی مربوط به قصد و اراده این افعال را مستعد ظهور در ساخت‌های تحلیلی امری کرده است. لازم به ذکر است که این افعال در پیوستار دستوری شدگی میان افعال قاموسی و معین قرار می‌گیرند، و ساخت افعال دوگانه را می‌سازند (راسخ‌مهند، ۱۳۹۳). فعل کمکی رفتن (ro-iin) در ساخت تحلیلی امری برای ضمایر دوم شخص و غیردوم شخص مورد استفاده قرار می‌گیرد. این فعل کمکی همزمان با فعل اصلی صرف می‌شود.

53. bə-fo-m bə-nus-əm.

۱ش/م-نوشتن-وج ۱ش/م-عا
برم بنویسم.

۱. صورت امری این فعل به صورت wāra می‌باشد.

54. bə-fo bə-nus-a.
ش^۲/م-نوشتن-وج ش^۲/م-عا
برو بنویس.
55. bə-rw-ā be-nus-e.
ش^۳/م-نوشتن-وج ش^۳/م-عا
بره بنویسه.
56. bə-fo-yn bə-nus-in.
ش^۱/ج-نوشتن-وج ش^۱/ج-عا
بریم بنویسیم.
57. bə-fo-n bə-nus-ən.
ش^۲/ج-نوشتن-وج ش^۲/ج-عا
برید بنویسید.
58. bəfo-n bə-nus-ən.
ش^۳/ج-نوشتن-وج ش^۳/ج-عا
برن بنویسن.

در این ساخت فعل رفتن لزوماً به معنای انجام عمل فیزیکی رفتن نیست، بلکه این فعل بیانگر نوعی امر با درجهٔ خفیف همراه با معنای اجازه و تشویق است. در واقع این ساخت بیانگر رضایت و اجازهٔ گوینده است. به نسبت ساخت‌های کانونی، این ساخت از درجهٔ التزام پایین‌تری برخوردار است، به همین دلیل علاوه بر امر معانی پیشنهاد و اذن (از طرف گوینده) را نیز القا می‌کند. همین امر عامل اصلی اختصاص یک ساخت غیرکانونی در زبان کردی برای یک مفهوم امری غیرسرنمون است. اما علاوه بر این مورد، کنشگری مخاطب برای انجام عمل مشروط به بافتی در آینده است، و لازم نیست که شنونده عمل مدنظر را در همان بافت متحقق سازد. فلذا باید گفت کنشگری در این بافت برخلاف ساخت‌های کانونی بی‌واسطه و دفعتاً نیست. از سوی دیگر این ساخت گاهی در شرایطی استفاده می‌شود که گویندهٔ جمله علی‌رغم میل باطنی، به انجام کار خاصی امر می‌کند. در این حالت آهنگ جمله به صورت معناداری افتان است. همین پدیده علاوه بر درجهٔ پایین التزام در این ساخت، به درجهٔ پایین میل گوینده (در مقایسه با میل زیاد او در ساخت کانونی) نیز اشاره دارد. در فرض اذن بی‌رغبت گوینده در بافت‌های خاص، می‌توان گفت که پارامتر هزینه بر ضد گوینده عمل می‌کند. یعنی گوینده با بیان جمله دچار زحمت می‌شود. به همین دلیل به جای استفاده از امر مستقیم از این ساخت تحلیلی بهره برده می‌شود. اما در جایی که پارامتر هزینه بر علیه گوینده نیست، مشروط بودن عمل به آینده و التزام پایین شنونده عامل غیرسرنمون شدن این ساخت می‌باشد.

حال به فعل آمدن می‌پردازیم که حاوی محدودیت‌های بیشتری است. ساخت تحلیلی مبتنی بر این فعل (wara) عمدتاً برای ضمایر دوم شخص مورد استفاده قرار می‌گیرد (مثال‌های ۵۹ و ۶۰، به دلیل کمبود فضا از ذکر موارد غیردستوری خودداری می‌کنیم). اما نکته جالب توجه در مورد این ساخت کاربرد آن برای اول شخص

جمع است (مثال ۶۱). در واقع این امر را می‌توان بدین صورت توجیه کرد که این ساخت به شرطی مورد استفاده قرار می‌گیرد که مخاطب امر حتماً در بافت حضور داشته باشد (مخاطبان فرد گوینده)، و فعل امر فراتر از شخص گوینده نیز برود. به همین دلیل است که این ساخت برای اول شخص مفرد استفاده نمی‌شود. در واقع به همین دلیل است که فعل آمدن در مثال ۶۱ تنها خطاب به شنونده‌های فرد گوینده بیان شده است، فلذا علامت مطابقت دوم شخص جمع در این مثال استفاده شده است. اما فعل اصلی حاوی علامت مطابقت اول شخص جمع می‌باشد. این ساخت خاص بیشتر برای تهییج و تشویق مخاطب برای انجام کاری مورد استفاده قرار می‌گیرد.

59. wara bə-nus-a.

۲ش/م-نوشتن-وج ۲ش/م-عا

بیا بنویس.

60. war-ən bə-nus-ən.

۲ش/ج-نوشتن-وج ۲ش/ج-عا

بیاین بنویسین.

61. waran bə-nus-in.

۱ش/ج-نوشتن-وج ۱ش/ج-عا

بیاین بنویسیم.

همان‌گونه که گفتیم این ساخت محدود به مخاطب حاضر در بافت است، و از این جهات یک ویژگی سرنامونی دارد، اما پارامترهای دیگر این ساخت تحلیلی را غیر سرنامون می‌کنند. برای مثال التزام شنونده به انجام عمل در این ساخت بسیار پایین است، به همین دلیل جمله حالت تهییج و تشویق را به خود می‌گیرد. از سوی دیگر رابطه قدرت نیز به هیچ‌وجه به نفع گوینده جمله نیست، چرا که فرد اجازه امر مستقیم را ندارد، و به تهییج و تشویق بسنده می‌کند. میل گوینده نیز در این ساخت در حد بالایی نیست، و انجام عمل گویی بیشتر به فرد شنونده (معیار سود و هزینه) مربوط است تا فرد گوینده. اما در کل می‌توان گفت به علت درجه بسیار پایین التزام و قدرت ساخت فوق غیرسرنامون شده است.

در ادامه به پدیده نهی می‌پردازیم که رابطه خاصی با مقوله امری دارد. عملگری که برای منفی‌سازی یک ساخت امری استفاده می‌شود، عملگر نهی^۱ نامیده می‌شود. شیوه‌های منفی‌سازی ساخت‌های کانونی و غیرکانونی در زبان کردی متفاوت است. ساخت‌های امری کانونی (مثال ۶۲ و ۶۳) با پیشوند ma منفی می‌شوند.

62. ma-y-kəf-a.

۲ش/م-خریدن-۳ش/م-نهی

نخرش.

63. ma-y-kəf-ən.

1. prohibitive

۲ش ج-خریدن-۳ش/م-نهی
نخریدش.

اما برای منفی‌سازی امری‌های غیرکانونی عمدتاً از na استفاده می‌شود که همان عملگر منفی‌ساز جملات خبری است. برای مثال ساخت امری ba با عملگر منفی‌ساز خبری نفی می‌شود:

64. bā na-y-nus-əm.

۱ش/م-نوشتن-۳ش/م-نفی عا
من ننویسمش!

65. bā na-y-nus-e.

۳ش/م-نوشتن-۱ش/م-نفی عا
او ننویسدش!

اما در ساخت تحلیلی مبتنی بر رفتن علامت نفی به اول جمله می‌چسبد.

66. na-rw-ā bə-nus-e.

۳ش/م-نوشتن-وج ۳ش/م-عا-نف
نره بنویسه.

67. na-ro-n bə-nus-ən.

۲ش/ج-نوشتن-وج ۲ش/ج-عا-نفی
نرند بنویسید.

اما ساخت امری wara از فرایند ناهمگونی برای منفی‌سازی بهره می‌برد. در واقع تنها در صورتی که مخاطب امر دوم شخص مفرد باشد (مثال ۶۸) از عملگر نهی ma برای منفی‌سازی بهره می‌برد. در غیر این صورت از پیشوند نفی ساز خبری استفاده می‌کند.

68. wara ma-y-nus-ā.

۲ش/م-نوشتن-۳ش/م-نهی ۲ش/م-عا
بیا ننویش.

69. waran na-y-nus-in.

۱ش/ج-نوشتن-۳ش/م-نفی ۲ش/ج-عا
بیا ننویسیمش.

70. waran na-y-nus-ən.

۲ش/ج-نوشتن-۳ش/م-نفی ۲ش/ج-عا
بیا ننویسدش.

همچنین ساخت تحلیلی که مبتنی بر be-lā می‌باشد از الگوی خاصی برای نهی شدن بهره می‌برد. در این حالت علامت نهی ma مستقیم به فعل کمکی چسبیده و کل ساخت منفی می‌شود.

71. ma-ya-lā dā-bə-niš-əm.

۱ش م-نوشتن-وج-پشف عا-نهی
نذار بنشینم.

72. ma-yaḷā dā-bə-niš-et.

۳ش م-نوشتن-وج-پشف عا-نهی
نگذار بنشیند.

73. ma-yaḷā dā-bə-niš-ən.

۳ش ج-نوشتن-وج-پشف عا-نهی
نگذار بنشینند.

در واقع می‌توان استدلال کرد که به علت تباین ساختاری بسیار زیاد ساخت‌های امری در کردی است که استراتژی‌های ناهمگونی نیز برای نهی‌سازی در این زبان قابل مشاهده است.

در پایان باید متذکر شد که تمایز زمان آینده نزدیک و حال در ساخت امری برای امری کانونی دوم شخص مفرد صادق است. در این حالت علامت y به علامت مطابقت امری چسبیده، و زمان آینده نزدیک را نشان می‌دهد. اما این امر در مورد دوم شخص جمع و دیگر ساخت‌های تحلیلی صادق نیست.

74. b-i-x-a / b-i-x-a-y.

آینده-۲ش م-انداختن-وج/حال-۲ش م-انداختن-وج

بیندازی / بینداز

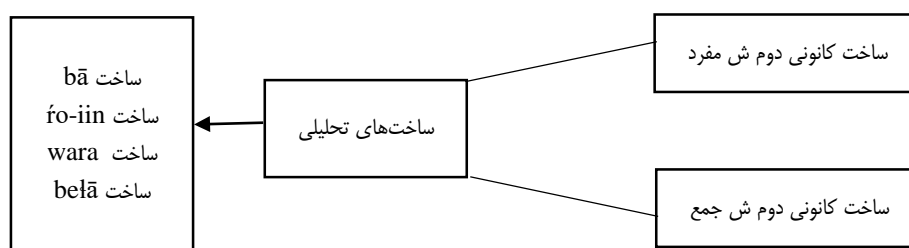
75. b-i-x-an / b-i-x-an.

۲ش ج-انداختن-وج/۲ش ج-انداختن-وج

بیندازید. بیندازید.

حال در این مرحله به جایگاه رده‌شناختی نظام امری در کردی بر اساس الگوی وندر آئورا و دیگران (۲۰۰۵) می‌پردازیم. همان‌گونه که در قبل ذکر شد این رویکرد بر حسب معیارهای بیشینگی/کمینگی و همگونی صوری زبان‌های دنیا را به چهار گروه تقسیم می‌کند. حال با توسل به این رویکرد به رده‌شناسی زبان کردی در بین این طبقات متفاوت می‌پردازیم. همان‌گونه که در قبل نشان دادیم، زبان کردی از دو ساخت کانونی متفاوت (برای دوم شخص مفرد و دوم شخص جمع) بهره می‌برد. این ساخت‌ها علائم مطابقت متفاوتی داشتند. همچنین در صورتی که مخاطب جمله امری اشخاص غیر دوم‌شخص باشد زبان کردی عمدتاً از ساخت‌های تحلیلی دیگری (۴ ساخت) استفاده می‌کند. ابتدا به پدیدار همبستگی صوری می‌پردازیم. در واقع با مرور داده‌ها در این بخش می‌توان نتیجه گرفت که هیچ کدام از ساخت‌ها همبستگی صوری با ساخت امری کانونی دوم شخص مفرد ندارند. چون ساخت کانونی دوم شخص مفرد در تقابل ساختاری با تمام دیگر ساخت‌ها (حتی ساخت مربوط به دوم شخص جمع) قرار دارد، لذا می‌توان نتیجه گرفت که زبان کردی حاوی یک ساخت امری کمینه (ساخت دوم شخص مفرد) می‌باشد. از سوی دیگر بدین دلیل که ساخت مشترکی موجود نیست که به صورت واحد و یکسان تمام اشخاص و تمام معانی (دوم شخص، اول شخص و سوم شخص مفرد و جمع) را در برگیرد

و در تقابل ساختاری با ساخت کمینه باشد، پس این زبان فاقد یک ساخت بیشینه است. فقدان ساخت بیشینه زمانی نمایان می‌شود که بدانیم علاوه بر ساخت دوم شخص مفرد و ساخت‌های تحلیلی متعدد برای غیردوم شخص، یک ساخت ویژه نیز مختص دوم شخص جمع وجود دارد. فلذا تکثر و توزیع نامتوازن ساخت‌ها روی اشخاص و معانی گوناگون مقوله امری در کردی نشان می‌دهد که این زبان فاقد ساختی بیشینه است. در واقع منظور از این گزاره این است که پارادایم واحد و مشترکی در زمینه مقوله امری در کردی موجود نیست، و چندین ساخت متباین با ویژگی‌های متباین ساختاری و معنایی در آن موجود است. بدین دلیل می‌توان نتیجه گرفت که زبان کردی حاوی یک ساخت کمینه بوده، اما ساخت بیشینه امری ندارد. در نهایت می‌توان گفت که پارادایم امری در کردی به صورت زیر است:



شکل ۱: نظام امری در کردی

۴- نتیجه‌گیری

با تحلیل داده‌ها روشن شد که با توجه به جداول رده‌شناختی موجود، زبان کردی جزو گروهی از زبان‌ها است که در آن مقوله امری تنها برای فاعل‌های دوم شخص ویژگی‌های ساختاری را از خود نشان می‌دهد، و در موارد دیگر عمدتاً از ساخت‌های تحلیلی بهره می‌برد. از سوی دیگر روشن شد که در زبان کردی تنها یک ساخت امری کمینه در صیغه دوم شخص مفرد (با توجه به معیار همگونی صوری) وجود دارد که هیچ ساخت بیشینه‌ای در برابر خود ندارد. این امر بدین دلیل است که برای بیان امری با ضمائر دوم شخص جمع و ضمائر غیر دوم شخص ساخت‌های متنوع دیگری به کار برده می‌شود، و همین امر باعث می‌شود که صیغگان بیشینه‌ای در زبان کردی شکل نگیرد. از سوی دیگر ساخت امری کانونی در کردی تمایزات زمانی خاصی را نیز نشان می‌دهد، بدین شیوه که در زمان حال صورت فعل به صورت ستاکی ساده ظاهر می‌شود، اما برای بیان آینده نیز پسوندی خاص به آخر فعل می‌چسبد. همچنین تحلیل داده‌ها نشان داد که در کردی ساخت‌های نهی و نفی با ابزارهای زبانی متفاوتی ساخته می‌شوند. ذکر این نکته ضروری است که ساخت نهی تنها برای مخاطبین دوم شخص مفرد و جمع به کار برده می‌شود، اما در اکثر ساخت‌های امری تحلیلی از عملگر منفی‌ساز خبری برای منفی کردن جملات امری استفاده می‌شود. البته دو ساخت تحلیلی wara و beḷā نیز برخلاف دیگر ساخت‌های تحلیلی در مواردی از عملگر نهی‌ساز برای منفی کردن جمله استفاده می‌کنند. ساخت اول از عملگر نهی برای

دوم شخص مفرد استفاده می‌کند، اما برای بقیه اشخاص از عملگر نفی بهره می‌برد. اما در ساخت دوم در حالت منفی، عملگر نهی به اول جملات اضافه می‌شود.

تحلیل داده‌ها نشان داد که در صورتی که مخاطب امر جزو اشخاص غیردوم شخص باشد ساخت‌های امری تحلیلی استفاده می‌شوند. این ساخت‌ها هر کدام ویژگی‌های معنایی و نحوی خاصی دارند. برای مثال ساخت bā عمدتاً با ضمائر غیر دوم شخص به کار برده می‌شود و با توجه به پارامترهای معناشناختی حاوی درجه پایینی در رابطه با التزام، میل و معیار دوم شخص می‌باشد. همین ویژگی‌ها این ساخت را بدل به ساختی غیرسرنمون و غیرکانونی می‌کند. همچنین ساخت beḥā نیز به‌عنوان سومین ساخت تحلیلی از ساخت‌های غیرکانونی است که تنها با ضمائر غیردوم شخص ظاهر می‌شود. این ساخت نیز تنها معانی توصیهای و تشویقی را القا کرده و درجه پایینی را در پارامترهای فاعل دوم شخص و اعمال نیرو از خود نشان می‌دهد. در پایان تحلیل داده‌ها نشان داد که دو ساخت تحلیلی دیگر نیز بر اساس افعال ro-iin و wara شکل می‌گیرند. مورد اول میزبان تمام اشخاص می‌باشد، اما درجات پایینی از التزام و کنشگری را نشان می‌دهد. همچنین مورد دوم تنها برای شرایطی استفاده می‌شود که در آن مخاطب امر در بافت حاضر باشد. پارامترهای التزام و قدرت در این ساخت دارای درجه پایینی می‌باشند به همین دلیل معنای تهییج و تشویق را القا می‌کند.

منابع

- راسخ‌مهند، محمد (۱۳۹۳). «پیدایش افعال دوگانه در زبان فارسی». *پژوهش‌های زبانشناسی تطبیقی*، شماره ۷: ۷۰-۹۵.
- Aikhenvald, A. & Dixon, R. (2017). *Commands: A Cross-Linguistic Typology*. Oxford: Oxford University Press.
- Aikhenvald, A. (2010). *Imperatives and Commands*. Oxford: Oxford University Press.
- Aikhenvald, A. (2017). Imperatives and Commands: A Cross-linguistic View. In, *Commands: A Cross-Linguistic Typology*, A. Aikhenvald & R. Dixon (eds). 1-40. Oxford: Oxford University Press.
- Austin, J. (1962). *How to Do Thing with Words*. Oxford: Clarendon Press.
- Birjulin, L. & Xrakovskij, V. (2001). Imperative sentences: Theoretical problems. In, *Typology of Imperative Constructions*, V. Xrakovskij (ed.), 3-50. Munich: Lincom.
- Huddleston, R. (1984). *Introduction to the Grammar of English*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Jary, M. & Kissene, M. (2014). *Imperative*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Jary, M. & Kissine, M. (2016). “When terminology Matters: The Imperative as a Comparative Concept”, *Linguistics* 54 (1): 119-148.
- Lyons, J. (1977). *Semantics Volume 2*. New York Melbourne: Cambridge University Press.
- Mauri, C. & Sansò, A. (2011). “How directive constructions emerge: Grammaticalization, Constructionalization, Cooptation”, *Journal of Pragmatics*. 43: 3489-3521.

- Sadock, J. M. & Zwicky, M. (1985). Speech act distinctions in syntax. *Language Typology and Syntactic Description. Vol. I: Clause Structure*. T. Shopen (ed.). Cambridge: Cambridge University Press: 155-196.
- Searle, J. (1976). "A Classification of Illocutionary Acts", *Language in Society*. pp.: 1-23.
- Takahashi, Hidemitsu (2012). *A Cognitive Linguistic Analysis of the English Imperative. With Special Attention to Japanese Imperatives*. Amsterdam: John Benjamin.
- Van der Auwera, J.; Dobrushina, N. & Goussev, V. (2005c). Imperative-hortative systems. In, *The World Atlas of Language Structures, Martin Haspelmath, Matthew S. Dryer, David Gil & Bernard Comrie (eds)*, 294-297. Oxford: Oxford University Press.
- Van Der Auwera, J.; Lejeune, L. & Goussev, V (2005b). The Prohibitive. In, *The World Atlas of Language Structures, Martin Haspelmath, Matthew S. Dryer, David Gil & Bernard Comrie (eds)*. 290-293. Oxford: Oxford University Press.
- Van Der Auwera, J.; Lejeune, L.; Pappuswamy, U. & Goussev, V. (2005a). The Morphological Imperative. In, *The World Atlas of Language Structures, Martin Haspelmath, Matthew S. Dryer, David Gil & Bernard Comrie (eds)*. 286- 289. Oxford: Oxford University Press.
- Van der Auwera, Johan (2006). Imperatives. In, *Encyclopedia of Language and Linguistics, Keith Brown (ed.)*, 565-567. Amsterdam: Elsevier.
- Van der Auwera, J.; Dobrushina, N. & Goussev, N. (2004). A Semantic Map for Imperative-Hortatives. In, *Contrastive Analysis in Language. Identifying Linguistic Units of Comparison, Dominique Willems, Bart Defrancq, Timothy Coleman & Dirk Noël (eds)*, 44-66. New York: Palgrave Macmillan.
- Xrakovskij, Viktor S. (eds). (2001). *Typology of Imperative Constructions*. Munich: Lincom.